

بررسی رابطه ساختار تعاملات خانواده (عملکرد خانواده) با سبک‌های مقابله با فشارهای روانی و تفاوت‌های جنسی در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی

پروین کدیور

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم

عبداله اسلامی

کارشناس ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی

محمدنقی فراهانی

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم

چکیده

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۲/۳/۲ - تاریخ پذیرش: ۸۳/۳/۲۴)

برای انجام پژوهش حاضر از میان ۲۷۰۰ دانش‌آموز حاضر دختر و پسر دوره پیش‌دانشگاهی شهرستان کاشان، ۳۴۸ نفر (۱۵۷ پسر و ۱۹۱ دختر) به صورت تصادفی انتخاب شدند و به دو مقیاس عملکرد خانواده بلوم (۱۹۸۵) و مقابله با بحران اندلر و پارکر (۱۹۹۰) پاسخ گفتند. نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره، آزمون t مستقل و تحلیل واریانس نشان داد که: (۱) بین عملکرد خانواده و انتخاب سبک‌های سه‌گانه مقابله، رابطه معنی‌دار وجود دارد؛ (۲) بین استفاده دختران و پسران از سبک‌های مقابله با عملکرد خانواده رابطه معنی‌دار وجود دارد؛ (۳) از بین ابعاد ۱۵ گانه عملکرد خانواده، ۱۲ بعد آن با سبک‌های مقابله افراد به طور کل و دختران و پسران به تفکیک رابطه معنی‌دار وجود دارد؛ (۴) در بررسی مقایسه‌ای پسران و دختران در انتخاب سبک مقابله، بین دختران و پسران در انتخاب سبک مسئله‌مدار و هیجان‌مدار تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و تنها در استفاده از سبک مقابله اجتنابی بین دو جنس تفاوت معنی‌دار مشاهده شد؛ (۵) پسران از سبک مسئله‌مدار بیشتر از دو سبک اجتنابی و هیجان‌مدار استفاده کنند؛ (۶) در استفاده دختران از سبک‌های مقابله، سبک‌های مساله‌مدار، اجتنابی، و هیجان‌مدار به ترتیب از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

کلید واژه‌ها: خانواده، عملکرد خانواده، جنسیت، فشار روانی، سبک‌های مقابله با فشارهای روانی

مقدمه

عملکرد خانواده به توانایی آن در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضا و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل سیستم خانواده مربوط است. تغییرات کمی و کیفی در فرایند فوق باعث شکل‌گیری شخصیت متفاوت در خانواده و در مواردی نیز، به رغم اینکه می‌تواند پشتوانه‌ای برای سلامت رفتاری افراد باشد خود مشکلات رفتاری خاصی ایجاد می‌کند که به عوامل متعددی بستگی دارد.

از طرف دیگر، منظور از مقابله با فشار روانی، روش مواجهه با دشواری‌ها و کوشش برای غلبه بر آنهاست. لازاروس^۱ (۱۹۹۱) به نقل از فرایندبرگ^۲ (۱۹۹۷) در تعریف مقابله می‌گوید: مقابله عبارت است از تلاش‌های رفتاری و شناختی برای اداره کردن نیازهای خاص درونی و بیرونی و تعارضات بین آنها که به عنوان عوامل فشارآور و فراتراز توانایی فرد ارزیابی می‌شوند.

در مورد ساختار خانواده و چگونگی تعامل اعضا آن با یکدیگر و نیز نحوه مقابله آنها با فشارهای روانی، تحقیقات متعددی صورت گرفته است، چنانکه، گلوریا و راندل^۳ (۱۹۹۰) در رابطه با نقش فشار و سبک‌های مقابله و ارتباط آن با جنسیت و ساختار خانواده در نوجوانان به پژوهشی مقایسه‌ای اقدام کردند. پس از تحلیل واریانس نتایج تفاوت معنی‌داری را بین نوجوانان دختر و پسر خانواده در میزان فشار تجربه شده در استفاده از حمایت اجتماعی و عوامل برون‌ریزی به عنوان سبک مقابله نشان دادند. دختران فشارهای روانی محیط خانواده را به شکل مؤثرتری تجربه کرده بودند و در رابطه با مقابله استفاده از حمایت اجتماعی را معنادارتر از برون‌ریزی گزارش کردند.

1. Lazarus

2. Frydenberg

3. Geloria & Rhond.L

همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که نوجوانان خانواده‌های تک‌والدی از حمایت خانواده برای مقابله با فشارهای روانی کمتر از نوجوانان خانواده‌های دو‌والدی استفاده کردند.

فالن و همکاران^۱ (۱۹۹۳) پس از انجام پژوهشی در زمینه عملکرد خانواده و کنار آمدن دانش‌آموزان یازده تا چهارده ساله گزارش کردند که جنسیت عاملی تعیین‌کننده در کنار آیی محسوب می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که در اشکال مختلف خانواده، از جمله از هم گسسته و به هم پیوسته، پسران و دختران به طور متفاوتی به مسائل خانوادگی و عمومی واکنش نشان می‌دهند. پسران بیشتر از نادیده گرفتن مشکل استفاده می‌کردند. این مسئله نشان‌دهنده این واقعیت است که بدون توجه به نوع مشکل، خواه عمومی باشد یا مربوط به خانواده، عامل جنسیت در انتخاب نوع خاصی از سبک مقابله نقش عمده‌ای را بازی می‌کند.

کامپاس، بروس، ویلیامز و ربکا^۲ (۱۹۹۰) در پژوهشی فشار روانی، و سبک‌های مقابله و سازگاری مادران و نوجوانان را در خانواده‌های تک‌والدی و دو‌والدی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد مادران تنها مشاجرات روزانه بیشتری را درباره وضعیت اقتصادی، خانوادگی و مسائل شخصی گزارش کردند. همچنین نشانه‌های بیشتری از افسردگی، هیجان و روان‌پریشی‌گرایی را نشان دادند. آنها همچنین گزارش کردند که در رابطه با مقابله، بیشتر سبک‌های پذیرش مسئولیت و ارزیابی مجدد مثبت را به کار می‌گیرند. بنابراین، پیرامون ارتباط اختلاف در مشاجرات خانوادگی و سبک‌های مقابله با وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده در دو گروه رابطه معناداری مشاهده شد.

1. Fallon & etal

2. Compos, Bruce, Williams & Rebecca

پروسا و پروسا^۱ در سال (۱۹۹۳) تحقیقی با عنوان بررسی رابطه میان مدل ساختار خانواده مینوچین^۲ با رشد هویت و سبک‌های مقابله‌ای انجام دادند. هدف این محققان آزمون این فرض بود که آیا بین موضوع نگرش ساختاری مینوچین به خانواده با تعادل بین مشارکت و عدم مشارکت در ارتباطات خانواده با سلامتی و رشد هویت نوجوانان و چگونگی مهارت مقابله آنها رابطه وجود دارد یا نه؟ نتایج تحلیل داده‌های گردآوری شده نشان داد که مرزبندی روشن و صریح در خانواده با حل تعارضات و پیوستگی اعضا با رشد هویت و استفاده از سبک‌های مثبت مقابله رابطه دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک‌های مقابله یک میانجی یا رابط، بین رشد هویت و ساختار خانواده است و تفاوت‌های جنسی نیز با دو متغیر دیگر رابطه دارد. در این پژوهش، مدل ساختار خانواده، بافت خانواده را مدنظر قرار می‌دهد و مینوچین در این الگو عقیده دارد که الگوی تعامل پایدار، نظم دهنده و انعطاف پذیر خانواده در پاسخ به شرایط در حال تغییر طی دوره حیات خانواده در ظهور الگوهای کارساز یا ناکارساز نقش دارد (به نقل از گلدنبرگ و گلدنبرگ ۱۹۹۶).

پاتنایوک و همکاران^۳ (۱۹۹۷) در تحقیقی برخورد ساختار خانواده و سوگیری جنسی را بر فشار روانی و سبک‌های مقابله به صورت تجربی بررسی کردند، که در این تحقیق تحلیل واریانس اطلاعات به دست آمده نشان داد که فشارهای روانی در خانواده‌های هسته‌ای بیشتر از خانواده‌های گسترده است و اعضای خانواده‌های گسترده یا غیرهسته‌ای رفتارهای مقابله‌ای بهتری را نشان می‌دهند. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که مردان دارای فشار روانی بیشتری هستند و رفتار مقابله‌ای بهتر و مناسب‌تری را

1. Perosa & Perosa

2. Minuchin

3. Patenayok & etal

نسبت به زنان به کار می‌گیرند.

در تحقیقی درباره دانش‌آموزان دبیرستانی خانواده‌های عادی و از هم گسسته را با یکدیگر مقایسه می‌کرد، تفاوت آشکاری در الگوهای کنار آمدن دختران و پسران به دست آمده است. به طور کلی پسران از کاهش تنش و نادیده گرفتن مشکل بیش از دختران استفاده می‌کردند. همچنین در این مطالعه مشخص شد که پسران بیشتر به اقدامات اجتماعی مبادرت می‌ورزند و به دنبال کمک‌های حرفه‌ای از معلمان یا سایر بزرگسالان هستند. فرایدنبرگ (۱۹۹۷). سعادت‌مند (۱۳۷۶) نیز تحقیقی با عنوان بررسی رابطه کارآیی خانواده و سلامت عمومی فرزندان نشان داد که بین کارآیی خانواده و ابتلای فرزندان به علایم جسمانی، اضطراب و اختلال خواب، اختلال در کارکرد اجتماعی و افسردگی رابطه معناداری وجود دارد.

جنانی (۱۳۸۰) در پژوهشی رابطه تعاملات درون خانواده را با سلامت روان دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی بررسی کرد وی پژوهش خود را با استفاده از ابزارهای اندازه‌گیری مقیاس عملکرد خانواده بلوم و پرسشنامه ۲۸ سئوالی سلامت روانی بر روی نمونه ۴۰۶ نفری انجام داد. تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده نشان داد که اولاً بین تعامل افراد در درون خانواد با سلامت روان دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد؛ ثانیاً بین میزان اجتماعی‌دل‌بستگی و همبستگی در خانواده و سلامت روانی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد؛ ثالثاً بین بعد بیانگری و سلامت روانی رابطه معنادار مشاهده شد؛ و رابعاً نتایج ناشی از تحلیل رگرسیون چند متغیره با روش گام‌به‌گام نشان داد که از ۱۵ مقیاس فرعی عملکرد خانواده سه مقیاس آن می‌تواند پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای سلامت روانی باشد که به ترتیب اهمیت عبارتند از: ۱) همبستگی، ۲) آرمان خانوادگی، و ۳) ابراز و بیان خود. بنابراین، باتوجه به نتایج تحقیق فوق نحوه روابط والدین و فرزندان با یکدیگر و در واقع تعامل خانواده نشان‌دهنده میزان سلامت روانی دانش‌آموزان است.

در پژوهش حاضر، با توجه به ابعاد پانزده‌گانه آزمون عملکرد بلوم^۱ (همبستگی^۲، بیانگری^۳، تضاد و تعارض^۴، گرایش‌های سرگرمی تفریحی^۵، گرایش‌های فرهنگی عقلانی^۶، تأکیدات مذهبی^۷، سازمان‌دهی^۸، جامعه‌پذیری^۹، منبع کنترل بیرونی^{۱۰}، آرمان‌خانوادگی^{۱۱}، گسستگی^{۱۲}، سبک خانواده‌آزادمنش^{۱۳}، سبک خانواده‌بی‌قیدوبند^{۱۴}، سبک خانواده‌مستبد^{۱۵} و به هم‌تیدگی^{۱۶}، رابطه عملکرد خانواده با انتخاب سبک‌های مقابله مسئله‌مداری^{۱۷}، هیجان‌مداری^{۱۸} و اجتنابی^{۱۹} در دانش‌آموزان دختر و پسر دوره پیش‌دانشگاهی شهرستان کاشان مورد تحقیق قرار گرفته است.

هدف‌های تحقیق

تحقیق حاضر در پی آن است که عملکرد خانواده را مشخص کند و رابطه عملکرد آن را با سبک‌های مقابله به عنوان یکی از پایه‌های بهداشت و سلامت روانی تعیین کند، علاوه بر هدف کلی فوق، هدف‌های زیر نیز پیگیری خواهد شد:

- تعیین رابطه عملکرد خانواده با سبک‌های مقابله با فشار روانی از طرف نوجوانان؛

-
- | | |
|-------------------------------------|--|
| 1. Bloom | 2. Cohesion |
| 3. expressiveness | 4. Conflict |
| 5. active- recreational orientation | 6. intellectual - cultural orientation |
| 7. religious emphasis | 8. organisation |
| 9. sociability | 10. external locus of control |
| 11. family idealization | 12. disengagement |
| 13. democratic family style | 14. laissez faire family style |
| 15. authoritarian family style | 16. enmeshment |
| 17. Problem - based coping | 18. emotion- based coping |
| 19. avoid coping | |

- مقایسه دختران و پسران در استفاده از سبک‌های مختلف مقابله با فشارهای روانی.

فرضیه‌های تحقیق

این پژوهش در بررسی ارتباط عملکرد خانواده و سبک‌های مقابله با فشار روانی در دختران و پسران دو فرضیه و سه پرسش زیر را مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱. بین ابعاد مختلف عملکرد خانواده و استفاده از سبک‌های سه‌گانه مقابله با فشار روانی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

۲. تعامل عملکرد خانواده و جنس با انتخاب یکی از سبک‌های سه‌گانه مقابله با فشار روانی از طرف فرد رابطه معنی‌دار وجود دارد.

۱. آیا بین دختران و پسران در استفاده از سبک‌های سه‌گانه مقابله با فشار روانی تفاوت وجود دارد؟

۲. آیا بین استفاده از سبک‌های سه‌گانه مقابله با فشار روانی در دختران تفاوت معنادار وجود دارد؟

۳- آیا بین استفاده از سبک‌های سه‌گانه مقابله با فشار روانی در پسران تفاوت وجود دارد؟

روش تحقیق:

جامعه آماری پژوهش کلیه دانش‌آموزان مراکز پیش‌دانشگاهی شهرستان کاشان به تعداد ۲۷۰۰ نفر است. با توجه به موضوع و فرضیه‌های تدوین شده حجم نمونه مورد نیاز با استفاده از فرمول کوکران به تعداد ۳۴۸ نفر (۱۵۷ پسر و ۱۹۱ دختر) محاسبه شد. سپس جهت انتخاب حجم تعیین شده با توجه به اینکه جامعه آماری برحسب دوره آموزشی (شبهانه یا روزانه)، جنس و رشته‌های تحصیلی به طبقات مختلف تقسیم می‌شد، روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب گردید.

ابزارهای پژوهش

الف. مقیاس عملکرد خانواده. این مقیاس به عنوان یکی از ابزارهای جامع و استاندارد برای ارزیابی عملکرد درون نظام خانواده توسط برنارد بلوم (۱۹۸۵) تهیه و تدوین شد. این آزمون دارای ۷۵ عبارت توصیفی درباره ویژگی‌های خانواده است که بلوم توانست آنها را ضمن انجام تحلیل عاملی در ۱۵ زیر مقیاس که به طور معنادار مستقل از هم بودند با ضریب آلفا و همبستگی درونی مشخص به شرح جدول شماره ۱ معرفی کند.

در بررسی روایی و پایایی مقیاس در کنار نتایج فوق، همچنین در تحقیقی که توسط نجمی (۱۳۷۵) انجام شد پس از تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از آزمون عملکرد خانواده در گروه‌های نوجوانان محبوب و طردشده، بین نمره کل عملکرد خانواده و ابعاد پانزده‌گانه مقیاس، رابطه معنادار مشاهده شد و همبستگی درونی مقیاس نیز تأیید گردید. از طرفی روایی صوری آزمون با نظر صائب گروهی از متخصصان و مشاوران خانواده مورد ارزیابی قرار گرفت که همه به اتفاق، روایی آزمون را تأیید کردند. در رابطه با پایایی نجمی (۱۳۷۵) پس از اجرای مقدماتی آزمون در مورد گروه ۴۰ نفری بعد از جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از روش دو نیمه کردن آزمون و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای کل و هر دو نیمه آزمون ضریب ۰/۷۵ تا ۰/۸۶ را به دست آورد این نتایج پایابودن آزمون را تأیید کرد. در پژوهش حاضر نیز آزمون در مورد یک گروه صد نفری اجرا شد و نتایج آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۸۷ بدست آمد و پایایی مقیاس تأیید گردید.

جدول ۱. نتایج ضریب آلفا و همبستگی درونی مقیاس عملکرد خانواده

ردیف	ابعاد مقیاس ضریب آلفا	متوسط همبستگی درونی	ردیف	ابعاد مقیاس ضریب درونی	متوسط همبستگی درونی
۱	همبستگی	۰/۷۸	۸	جامعه پذیری	۰/۷۱
۲	بیانگری	۰/۷۷	۹	منبع کنترل بیرونی	۰/۶۷
۳	تضاد و تعارض	۰/۷۶	۱۰	آزمان خانوادگی	۰/۸۵
۴	گرایش سرگرمی	۰/۵۷	۱۱	گسستگی	۰/۶۶
۵	گرایش فرهنگی عقلانی	۰/۷۱	۱۲	سبک خانواده آزادمنش	۰/۶۵
۶	تأکیدات مذهبی	۰/۸۸	۱۳	سبک خانواده بی قید و بند	۰/۷۱
۷	سازماندهی	۰/۷۴	۱۴	سبک خانواده مستبد	۰/۴۰
			۱۵	به هم تنیدگی	۰/۷۸
			*	میانگین	۰/۷۱

ب. مقیاس مقابله با فشار روانی. در این تحقیق، جهت بررسی و جمع آوری اطلاعات پیرامون سبک‌های مقابله با فشار روانی از پرسشنامه مقابله با بحران اندلر و پارکر^۱ استفاده شد. این آزمون نوعی ابزار اندازه‌گیری مداد کاغذی خود گزارشی است که توسط دو دانشمند فوق در سال ۱۹۹۰ تهیه شده است این آزمون در ایران برای اولین بار توسط دکتر اکبرزاده ترجمه، هنجاریابی و برای بررسی سبک‌های مقابله با بحران نوجوانان تهران در دهه ۱۳۶۰ به کار گرفته شده است این آزمون شامل ۴۸ مقوله که پاسخ‌های هر مقوله به روش لیکرت از هرگز (۱) تا خیلی زیاد (۵) مشخص گردیده است. آزمون مقابله، همان‌طور که قبلاً اشاره شد، سه زمینه اصلی رفتارهای مقابله‌ای را

1. Endler & Parker

در برمی‌گیرد که عبارتند از مقابله مسئله مدار، مقابله هیجان مدار و مقابله اجتنابی (اندلر و پارکر ۱۹۹۰). با توجه به یافته‌های سازندگان آزمون و داوری متخصصان و روانشناسان به ویژه روانشناسان بالینی چنین استنباط می‌شود که آزمون مورد نظر جهت سنجش سبک‌های مقابله با فشار روانی از روایی مطلوبی برخوردار است. ضریب پایایی مقیاس مقابله با بحران بوسیله اندلر و پارکر در مورد نمونه ۳۱۳ نفری محاسبه و ضرایب برای هر سه سبک در هر دو گروه دختران و پسران بین ۰/۸۲ تا ۰/۹۲ به دست آمد. در ایران نیز چندین پژوهش از جمله طباطبایی، بهرامی، و وقری به نقل از وقری (۱۳۷۹) پایایی مقیاس مذکور را در مورد نمونه‌های متفاوت بررسی کرده‌اند که ضرایب آلفای کرونباخ بین ۰/۶۰ تا ۰/۸۹ به دست آمد، در تحقیق حاضر نیز ضرایب به دست آمده بین ۰/۸۳ تا ۰/۸۷ می‌باشد. به‌طور کلی نتایج فوق نشان دهنده پایا بودن آزمون است.

جدول ۲. بررسی میانگین و انحراف معیار نمرات آزمون عملکرد خانواده

ردیف	نمونه شاخص	میانگین انحراف معیار	پسر میانگین انحراف معیار	دختر میانگین انحراف معیار	تعداد میانگین انحراف معیار	کل نمونه انحراف معیار
۱	مسک	۲۳/۷۳	۳/۲۱	۱۵۷	۲۲/۰۵	۳/۱۹
۲	بیانگری	۱۶/۸۷	۲/۶۱	۱۵۷	۱۵/۰۳	۲/۷۵
۳	نضاد و تعارض	۱۲/۹۲	۱/۵۱	۱۵۷	۱۲/۹۰	۱/۲۵
۴	سرفینهای فرهنگی عقلانی	۱۳/۱۷	۲/۴۸	۱۵۷	۱۳/۵۲	۲/۲۹
۵	سرفینهای سرگرمی تفریحی	۱۲/۲۶	۲/۱۶	۱۵۷	۱۶/۲۱	۲/۲۳
۶	تأکیدات مذهبی	۱۷/۱۳	۲/۱۱	۱۵۷	۱۷/۳۳	۱/۲
۷	سازماندهی	۱۶/۱۸	۲/۲۲	۱۵۷	۱۶/۲۴	۲/۳۱
۸	جامعه‌پذیری	۱۶/۳۵	۲/۵۲	۱۵۷	۱۶/۱۵	۲/۵۰
۹	منبع کنترل بیرونی	۱۵/۲۳	۲/۳۶	۱۵۷	۱۶/۶۵	۱/۵۰
۱۰	آرمان خانوادگی	۱۴/۸۸	۳/۱۱	۱۵۷	۱۴/۸۲	۳/۱۴
۱۱	گسستگی	۶۴/۷۱	۲/۱۱	۱۵۷	۶۵/۰۱	۲/۰۷
۱۲	سبک خانواده آزادمنش	۱۹/۳۵	۲/۳۶	۱۵۷	۱۷/۱۷	۲/۲۶
۱۳	سبک خانواده بی‌فید و بند	۵۷/۰۸	۱/۹۲	۱۵۷	۵۷/۰۹	۱/۰۲
۱۴	سبک خانواده مستبد	۷۹/۷۷	۲/۰۲	۱۵۷	۷۹/۷۵	۱/۸۳
۱۵	بهم‌تنیدگی	۱۲/۹۶	۲/۱۳	۱۵۷	۱۳/۳۶	۲/۲۹
۱۶	کلی	۱۴۸/۱۶	۱۷/۶۲	۱۵۷	۱۴۹/۹۳	۲/۰/۱۶

یافته‌های تحقیق

الف. یافته‌های توصیفی (میانگین و انحرافات معیار نمرات آزمون عملکرد خانواده و سبک‌های مقابله)

باتوجه به اطلاعات موجود در جدول ۲ در گروه‌های دختران، پسران و کل آزمودنی‌ها، سبک خانواده مستبد با میانگین ۷۹/۷ بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است و بعد تضاد و تعارض با میانگین ۱۲/۹ کمترین میانگین را داراست. بیشترین انحراف معیار با مقدار $SD = ۳/۲$ به بعد همبستگی مربوط می‌شود و کمترین انحراف معیار یعنی ۱/۵ به بعد تضاد و تعارض تعلق دارد. همچنین اطلاعات جدول فوق بیانگر این نکته است که میانگین و انحراف معیار نمرات دختران و پسران در هر یک از ابعاد ۱۵ گانه عملکرد خانواده تقریباً یکسان است. میانگین نمره تمام ابعاد باهم نیز در سه گروه به ترتیب ۱۴۸/۲، ۱۴۹/۹۳ و ۲۲۳ و انحراف معیار آن به ترتیب عبارت است از ۱۷/۶۴، ۲۰/۱۶، $۲=۱۸/۹۴$.

جدول ۳. بررسی میانگین و انحراف معیار نمرات آزمون مقابله با فشار روانی

ردیف	نمونه	شاخص سبک‌های مقابله	پسر		دختر		کل نمونه			
			تعداد	میانگین انحراف معیار	تعداد	میانگین انحراف معیار	تعداد	میانگین انحراف معیار		
۱	مسئله‌مدار	۵۷/۱۸	۹/۲۵	۱۵۷	۵۶/۴۰	۸/۷۰	۱۹۱	۵۶/۸۰	۹	۳۲
۲	اجتنابی	۲۹/۲۹	۵/۹۸	۱۵۷	۲۹/۱۹	۶/۰۷	۱۹۱	۲۹/۶۷	۶	۳۲۸
۳	هیجان‌مدار	۴۸/۱۲	۹/۳۶	۱۵۷	۵۲/۲۵	۹/۹۸	۱۹۱	۵۰/۲۹	۹/۹	۳۲۸
۴	کل	۱۴۸/۳	۱۷/۹	۱۵۷	۱۵۱/۱	۱۸/۸	۱۹۱	۱۲۹/۲	۱۸/۲	۳۶۸

باتوجه به جدول ۳، سبک مسئله‌مدار با میانگین تقریبی ۵۷ در هر سه گروه دارای بالاترین میانگین و سبک هیجان‌مدار در گروه پسران با مقدار ۴۸/۱۲ دارای کمترین میانگین است. بیشترین انحراف معیار نیز با مقدار ۵/۹۸ به سبک مسئله‌مدار در گروه پسران مربوط می‌شود و کمترین انحراف معیار به میزان ۵/۹۸ به سبک اجتنابی در

پسران تعلق دارد. با توجه به اطلاعات جدول میانگین نمرات سبک‌های مسئله‌مدار و اجتنابی در گروه‌های دختران، پسران و کل آزمودنی‌ها تقریباً مساوی است و در سبک هیجان‌مدار میانگین گروه دختران با مقدار ۵۲/۴۵ نسبت به دو گروه دیگر بیشتر است. انحراف معیار مطرح شده در هر سه گروه تقریباً مساوی است.

ب. یافته‌های استنباطی جهت آزمون فرضیه‌ها

باتوجه به ماتریس همبستگی جدول شماره ۴ بین نمرات سبک مسئله‌مدار با تمام ابعاد عملکرد خانواده به غیر از تضاد و تعارض، موقعیت‌های سرگرمی - تفریحی، به‌هم‌تنیدگی و سبک خانواده مستبد همبستگی مثبت وجود دارد. سبک اجتنابی نیز با تمام ابعاد عملکرد خانواده به غیر از به‌هم‌تنیدگی همبستگی مثبت دارد اما سبک هیجان‌مدار با ابعاد همبستگی، بیانگری، تضاد و تعارض، سازماندهی، جامعه‌پذیری، منبع کنترل بیرونی، آرمان‌خانوادگی، سبک خانواده آزادمنش و سبک خانواده بی‌قید و بند همبستگی منفی دارد، و همبستگی‌های موجود بین سه سبک مقابله با ابعاد عملکرد خانواده با توجه به جدول در سطح $P < 0/1$ و $P < 0/5$ معنادار است. ماتریس نشان می‌دهد که از بین سه سبک مقابله، سبک اجتنابی رابطه قوی‌تری را با ابعاد عملکرد خانواده دارد. با توجه به همبستگی‌های به‌دست آمده برای بررسی فرضیه‌های ۱ و ۲ از تحلیل رگرسیون استفاده شده که نتایج آن از این قرار است:

فرضیه ۱: بررسی رابطه میان ابعاد مختلف عملکرد خانواده با استفاده از سبک‌های سه‌گانه مقابله با فشارهای روانی در کل آزمودنی‌ها.

جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون رابطه عملکرد خانواده با انتخاب سبک‌های مقابله کل آزمودنی‌ها

F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات	سبک‌های مقابله
۱۹/۶۲*	۱۳۹۱/۳۸۱ ۷۰/۹۵	۳	۲۱۷۲/۱۲۳	رگرسیون	مسئله‌مداری
			۲۳۳۹۱/۱۷	بافمانده	
			۲۸۵۶۵/۳۱	کل	
۱۳۹/۲۱۰	۸۷۶/۱۲ ۶/۲۹	۱۲	۱۰۵۱۳/۶۹	رگرسیون	اجتنابی
			۳۳۵	۲۱۰۸/۲۶	
			۱۲۶۲۱/۹۲۵	کل	
۱۷/۱۸۰	۱۳۸۲/۸۱ ۸۶/۲۹	۳	۲۴۲۸/۲۲	رگرسیون	هیجان‌مدار
			۲۹۶۸۲/۵۳	بافمانده	
			۳۲۱۳۲/۹۷	کل	

* $P < 0/001$

نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که رگرسیون متغیر سبک‌های مقابله مسئله‌مداری، اجتنابی و هیجان‌مدار از روی نمره ابعاد خانواده از لحاظ آماری معنادار است. F مشاهده در هر سه سبک در سطح $P < 0/001$ از F بحرانی بزرگ‌تر است. فرضیه ۲: میان عملکرد خانواده در تعامل با تفاوت‌های جنسی با انتخاب یکی از سبک‌های سه‌گانه مقابله با فشار روانی رابطه معنادار وجود دارد (رابطه تعامل سه متغیره).

باتوجه به اطلاعات موجود در جدول شماره ۶ نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که رگرسیون نمره سبک‌های مقابله مسئله‌مداری، اجتنابی، و هیجان‌مداری پسران و دختران از روی نمره متغیرها (ابعاد) عملکرد خانواده از لحاظ آماری معنادار است. F مشاهده شده در رگرسیون بین ابعاد عملکرد خانواده با سبک‌های سه‌گانه مقابله در

جدول ۶. نتایج بررسی ضرایب شیب جهت تعیین سهم ابعاد عملکرد خانواده در پیش‌بینی نمره سبک‌های مقابله

F	مجدورات مجدورات	درجه آزادی	مجموع مجدورات	منبع تغییرات	جنسیت	سبک‌های مقابله
۱۸/۵۰	۱۲۴۰/۸ ۶۶/۷	۳	۳۷۲۲	رگرسیون	پسران	مسئله‌مدار
		۱۵۳	۱۰۱۲۱۳	باقیمانده		
		۱۵۶	۱۳۹۳۵	کل		
۸/۳۷۰	۵۲۷/۹ ۶۷/۷۹	۳	۱۷۰۳/۸	رگرسیون	دختران	
		۱۸۶	۱۲۶۰۹	باقیمانده		
		۱۸۹	۱۲۳۱	کل		
۸۶/۷۶۳	۵۲۳ ۶	۹	۴۷۰۹/۸۹	رگرسیون	پسران	اجتنابی
		۱۲۷	۸۸۶	باقیمانده		
		۱۵۶	۵۵۹۶/۵	کل		
۱۰۰۲۰	۶۲۹ ۶/۳۲	۹	۵۸۲۱/۰۷	رگرسیون	دختران	
		۱۸۰	۱۱۲۱/۹۱	باقیمانده		
		۱۸۹	۶۹۸۲/۹	کل		
۶/۷۰	۵۳۲/۷۳ ۷۸/۸۹	۲	۱۰۶۴	رگرسیون	پسران	هیجان‌مدار
		۱۵۳	۱۲۰۷۰	باقیمانده		
		۱۵۶	۱۳۶۷۲	کل		
۱۱/۹۹۰	۹۷۰ ۸۰	۴	۳۸۰۰	رگرسیون	دختران	
		۱۸۵	۱۲۹۵۸	باقیمانده		
		۱۸۹	۱۸۸۲۹	کل		

* $P < 0/001$

سطح $P < 0/001$ در هر دو گروه دختران و پسران از F بحرانی بزرگ‌تر است، لذا فرضیه شماره ۲ تأیید می‌شود و می‌توان جهت بررسی سهم هر یک از ابعاد عملکرد خانواده در پیش‌بینی نمره سبک‌های مقابله از طریق بررسی ضرایب شیب اقدام کرد که در جدول شماره ۷ مورد اشاره قرار گرفته است. نتایج حاصل از بررسی ضرایب شیب معناداری سهم هر یک از ابعاد را به ترتیب زیر مشخص می‌کند.

باتوجه به جدول شماره ۷، نتایج حاصل از بررسی ضرایب شیب نشان می‌دهد که سهم کدام یک از ابعاد عملکرد خانواده در پیش‌بینی نمره هر یک از سبک‌های سه‌گانه مقابله دختران و پسران از لحاظ آماری معنادار است که به ترتیب به آنها اشاره می‌شود:

الف. متغیرهای منبع کنترل بیرونی، سبک خانواده آزادمنش و موقعیت‌های فرهنگی عقلانی در پیش‌بینی نمره سبک مسئله‌مداری پسران؛

ب. متغیرهای سازماندهی، سبک خانواده آزادمنش، و موقعیت‌های فرهنگی عقلانی در پیش‌بینی نمره مسئله‌مداری دختران؛

ج. متغیرهای سازماندهی، منبع کنترل بیرونی، موقعیت‌های فرهنگی عقلانی آرمان‌خواه‌دگی بیانگری در پیش‌بینی نمره سبک اجتنابی پسران؛

د. متغیرهای سازماندهی، همبستگی، موقعیت‌های فرهنگی عقلانی، آرمان‌خواه‌دگی، جامعه‌پذیری و موقعیت‌های سرگرمی تفریحی در پیش‌بینی نمره سبک اجتنابی دختران؛

ه. متغیرهای منبع کنترل بیرونی، همبستگی و به‌هم‌تنیدگی در پیش‌بینی نمره هیجان‌مداری پسران؛

و. متغیرهای منبع کنترل بیرونی، سبک خانواده بی‌قید و بند، تضاد و تعارض و موقعیت‌های سرگرمی تفریحی در پیش‌بینی نمره هیجان‌مداری دختران.

سؤال ۱. آیا بین دختران و پسران در استفاده از سبک‌های سه‌گانه مقابله با فشارهای روانی تفاوت معنادار وجود دارد؟

نتایج حاصل از اجرای آزمون؛ نشان می‌دهد که تفاوت بین دختران و پسران در استفاده از سبک مسئله‌مداری و هیجان‌مداری از لحاظ آماری معنادار نیست و T مشاهده شده کوچکتر از T جدول است. اما در استفاده از سبک اجتنابی بین دو گروه دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد و T مشاهده شده از T بحرانی بزرگ‌تر است. باتوجه به این توضیح دختران در مقایسه با پسران از شیوه‌های مقابله اجتنابی بیشتر استفاده می‌کنند.

لذا باتوجه به نتایج به دست آمده پاسخ دو سؤال فرعی اول و دوم از سؤال اول منفی

بوده و تنها پاسخ سؤال فرعی سوم مثبت می‌باشد.

سؤال ۲ و ۳. آیا بین استفاده پسران و دختران از سبک‌های مقابله تفاوت وجود دارد؟ نتایج حاصل از اجرای تحلیل واریانس نشان می‌دهد که در هر دو گروه تفاوت واریانس حداقل یکی از عامل‌ها از لحاظ آماری معنادار است و F مشاهده شده در دو گروه در سطح $P < 0/001$ با میزان $67/42$ و $17/9$ از F بحرانی بزرگ‌تر است لذا باتوجه به اطلاعات به دست آمده و همچنین توضیح فوق می‌توان نتیجه گرفت که پاسخ سؤالات ۲ و ۳ مثبت است. برای بررسی تفاوت‌های مشاهده شده در میانگین عامل‌ها از آزمون LSD استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره ۱۰ آورده می‌شود.

جدول ۸. نتایج حاصل از بررسی ضرایب شیب فرضیه ۲

سطح معناداری	T	تفاوت میانگینها	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	جنسیت	سبک‌های مقابله
$0/5 < p$	$0/180$	$0/78$	۳۳۵	$9/25$ $8/7$	$57/18$ $56/20$	پسران دختران	مسئله‌مدار
$0/5 < p$	$1/07$	$0/70$	۳۳۵	$5/98$ $6/07$	$29/29$ $29/99$	پسران دختران	هیجان‌مدار
$0/001 < p$	$2/122$	$2/33$	۳۳۵	$9/26$ $9/98$	$28/12$ $52/25$	پسران دختران	اجتنابی

جدول ۹. نتایج مقایسه دختران و پسران در انتخاب سبک‌های مقابله

F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	منبع تغییرات	تحلیل واریانس جنسیت
$67/22$	$6228/8$ $95/65$	۱ ۱۵۶	$6228/8$ $121921/6$	عامل‌های خطا	پسران
$17/9$	$1276/21$ $82/23$	۱ ۱۸۹	$1276/21$ $15580/18$	عامل‌های خطا	دختران

جدول ۱۰. نتایج تحلیل واریانس جهت تعیین تفاوت استفاده پسران و دختران از سبک‌های سه‌گانه مقابله

جنسیت	عامل‌ها	میانگین	۵۷/۱۷	۴۹/۲۹	۴۸/۱۲
پسران	مسئله‌مداری	۵۷/۱۸		۱/۸۹	۹/۰۶
	اجتنابی	۴۹/۲۹			۱/۱۷
	هیجان‌مداری				
دختران	عامل‌ها	میانگین	۵۶/۲	۴۹/۹۹	۵۲/۴۷
	مسئله‌مداری	۵۶/۲		۶/۲	۳/۹
	اجتنابی	۴۹/۹۹			
	هیجان‌مداری	۵۲/۳۵			

نتایج حاصل از اجرای آزمون LSD نشان می‌دهد که در گروه پسران فقط تفاوت میانگین سبک یک با ۲ و ۳ از لحاظ آماری معنادار است. لذا پسران سبک مقابله مسئله‌مدار را بیشتر از دو سبک دیگر مورد استفاده قرار می‌دهند. نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که دختران از هر سه سبک مقابله‌ای استفاده می‌کنند ولی به ترتیب سبک مقابله مسئله‌مداری، اجتنابی و هیجان‌مداری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است این نتایج نیز، همراه نتایج تحلیل واریانس فوق، مثبت بودن پاسخ سؤالات ۲ و ۳ را بیان دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج رگرسیون انجام شده نشان می‌دهد که بین ابعاد مختلف عملکرد خانواده با انتخاب سبک‌های مقابله، رابطه آماری معنادار وجود دارد به طوری که می‌توان نمره سبک‌های مختلف مقابله فرد را از روی نمره اکتسابی در ابعاد مختلف مقیاس عملکرد خانواده پیش‌بینی کرد. این پدیده از طریق نتایج حاصل از بررسی ضرایب شیب در قسمت یافته‌های استنباطی مورد اشاره قرار گرفت؛ بنابراین، نتایج به دست آمده در این بخش هم‌سو با نتایج تعدادی از تحقیقات دیگر از جمله سموعی (۱۳۷۸) پروسا و

پروسا (۱۹۹۸)، بهرامی (۱۳۷۶)، گوارو^۱ به نقل از زیدنر و اندلر^۲ (۱۹۹۷) فرضه فوق را تأیید می‌کند. مطابق پژوهش‌های فوق چگونگی وضعیت عملکرد و ساختار خانواده با انتخاب راه کارهای مختلف جهت مقابله با فشار روانی رابطه معنی‌دار وجود دارد همچنین پژوهش گیسون و همکاران^۳ (۱۹۹۶) به نقل از بهرامی (۱۳۷۶) نیز مشخص نمود که وضعیت اقتصادی اجتماعی به عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر عملکرد خانواده چگونگی مقابله با فشار روانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا باتوجه به اینکه نتایج تحقیق حاضر و سایر تحقیقات، معنی‌دار رابطه بین عملکرد خانواده و انتخاب سبک‌های مقابله با فشار روانی را نشان می‌دهد.

همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که بین سه متغیر عملکرد خانواده، انتخاب سبک‌های مقابله و تفاوت‌های جنسی در سطح $P < 0/001$ از لحاظ آماری رابطه معنی‌داری وجود دارد. به طوری که می‌توان با قرار دادن نمره ابعاد عملکرد خانواده دختران و پسران در معادله پیش‌بین نمره سبک مقابله آنها را به دست آورد. توجه به نتایج ضرایب شیب نشان می‌دهد که بعضی از ابعاد پیش‌بینی کننده نمره سبک‌های سه گانه در دو جنس متفاوت است و در بعضی موارد ابعاد مشترک وجود دارد. بحث پیرامون علت تفاوت ابعاد پیش‌بینی کننده در دو جنس نیازمند تحقیقات بیشتری است. به طور کلی در تحقیق حاضر مشخص شد که از میان ابعاد پانزده گانه عملکرد خانواده، دوازده مورد با انتخاب سبک‌های سه گانه مقابله از طرف دختران و پسران دارای رابطه معنادار است. این ابعاد عبارتند از همبستگی، بیانگری، تضاد و تعارض، موقعیت‌های فرهنگی عقلانی، موقعیت‌های سرگرمی تفریحی، سازمان‌دهی، جامعه‌پذیری، منبع کنترل بیرونی، آرمان خانوادگی، سبک خانواده آزادمنش، سبک خانواده بی‌قید و بند، و به هم تنیدگی. این ابعاد عملکرد کلی خانواده را مشخص می‌نماید که این عملکرد طبق نتایج تحقیقات در شکل‌گیری ویژگی‌های روانی و الگوهای رفتاری در ارتباط است که

1. Guerrero

2. Zeidner & endler

3. Gibson & etal

این پژوهش نیز آن را تأیید می‌کند. فرایدنبرگ (۱۹۹۷) جهت بررسی رابطه تأثیر وضعیت خانواده و سبک‌های مقابله و تفاوت‌های جنسی دانش‌آموزان خانواده‌های گسسته و عادی را مورد تحقیق قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که دختران و پسران این دو نوع خانواده تفاوت آشکاری را در الگوی کنتر آمدن نشان می‌دهند. پاتنایاک و همکاران (۱۹۹۷) نیز عامل ساختار خانواده و سوگیری جنسیت را بر روی استرس و سبک‌های مقابله به صورت تجربی بررسی کردند نتایج نشان داد که فشارهای روانی در خانواده هسته‌ای بیشتر است و از طرفی اعضای خانواده‌های گسترده رفتارهای مقابله‌ای بهتری دارند.

همچنین در پژوهشی پیرامون رابطه عملکرد خانواده، تفاوت‌های جنسی و داشتن رابطه صمیمی با دیگران رابینسون^۱ (۲۰۰۰) به این نتیجه دست یافت که تعاملات موجود در محیط خانواده که شکل‌دهنده عملکرد این نهاد است، ارائه الگوهای رفتاری از طرف مردان و زنان را متأثر می‌سازد.

به‌طور کلی نتایج تحقیقات مطرح شده همسو با نتیجه تحقیق حاضر مؤید این واقعیت است که بین سه متغیر عملکرد خانواده، انتخاب سبک‌های مقابله، و تفاوت‌های جنسی رابطه سه جانبه معنادار وجود دارد.

با توجه به رابطه تفاوت‌های جنسی با سه سبک مقابله، نتایج تحقیق حاضر، نشان می‌دهد که تفاوت میانگین بین دختران و پسران در استفاده از سبک مسئله‌مداری در سطح $P < 0/05$ از لحاظ آماری معنادار نیست. این نتیجه با نتیجه تحقیقات محققانی مانند فرایدنبرگ (۱۹۹۷) کارتن و پرات^۲ (۱۹۹۳) به نقل از زیدنر و اندلر (۱۹۹۶) مولر، ریچاردز، هوکر و ارسینو^۳ (۱۹۹۲) که همه به عدم تفاوت معنادار بین استفاده دختران و پسران از سبک‌های مقابله به ویژه سبک مسئله‌مداری اشاره می‌کنند همسو است. از

1. Robinson

2. Carton & Prat

3. Moeller, Richard, Hooker & Ursino

طرفی مک کوبین و پترسون^۱ به نقل از فرایدنبرگ (۱۹۹۷) در تحقیقات خود دریافتند که دختران از سبک مسئله‌مدار بیشتر استفاده می‌کنند.

در تبیین این تفاوت‌ها باید به دو عامل توجه داشت: اولاً نتایج تا حد زیادی وابسته به تفاوت آزمودنی‌ها است، یعنی گروه‌های مورد آزمایش از لحاظ ویژگی‌های سنی، موقعیت اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی متفاوت بودند. لذا یافته‌های بعضی از تحقیقات بیانگر استفاده ناهمسان دختران و پسران از سبک‌های مقابله است. در صورتی که در پژوهش‌هایی مانند هوکر و همکاران (۱۹۹۲) زنان و مردان موقعیت یکسانی داشته‌اند. نتایج تحقیق عدم تفاوت معنی‌داری بین پسران و دختران را مانند تحقیق حاضر تأیید کرده است. ثانیاً علت دیگر استفاده تقریباً یکسان پسران و دختران از سبک مسئله‌مداری برخلاف تصور سنتی این است که پیرو تغییر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نقش‌های محوله به زنان و مردان به سوی همسانی پیش می‌رود. بنابراین، زنان نسبت به سال‌های قبل مسئله‌مدارتر می‌شوند. از طرفی تغییر شیوه‌های تربیتی، آن‌گونه تفاوت‌هایی ترتیبی که قبلاً پیرامون دختران و پسران اعمال می‌شد را کاهش داده باعث مشارکت و مسئولیت‌پذیری بیشتر دختران شده است که نتیجتاً فرایند مسئله‌مداری آنها را افزایش داده است.

همچنین نتایج تحقیق در این قسمت نیز نشان داد که تفاوت میان دختران و پسران در استفاده از سبک هیجان‌مدار در سطح $P < 0/05$ از لحاظ آماری معنادار نیست. یعنی هر دو گروه تقریباً به‌طور یکسان از سبک هیجان‌مدار استفاده می‌کنند. علی‌رغم نتیجه فوق تحقیقات انجام شده قبلی پیرامون مقایسه پسران و دختران در استفاده از سبک هیجان‌مدار از جمله فرایدنبرگ (۱۹۹۷) و قری (۱۳۷۹) بیانگر این واقعیت است که بین استفاده مردان و زنان از سبک هیجان‌مدار تفاوت معنادار وجود دارد و عموماً دختران هیجان‌مدارترند.

در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان به چند مورد اشاره کرد. یکی از علت‌های

مغایرت تا حد زیادی به زمان انجام تحقیق مربوط می‌شود. در بررسی تحقیقات، پژوهش جدیدی در رابطه با موضوع به دست نیامد و همان‌طور که ملاحظه می‌شود اکثر پژوهش‌های مطرح شده به یک دهه قبل باز می‌گردد. لذا می‌توان چنین استنباط کرد که عامل گذشت زمان با توجه به موضوعات مطرح شده پیرامون تبیین قسمت اول می‌تواند استفاده از سبک هیجان‌مدار را در زنان و مردان به سوی همسانی سوق داده باشد. علت احتمالی دیگر این است که تعداد زیادی از آزمودنی‌های دختر در تحقیق حاضر رشته ریاضی و علوم تجربی بوده‌اند. بر مبنای تحقیقات، کسانی در امر یادگیری ریاضی و علوم پایه مشغول هستند، چون این نوع مطالب شکل هوشمندانه‌ای از حل مسئله است و فرد را به تعمق و تفکر در مسائل وا می‌دارد (نانس و برایانت^۱ ۱۹۹۷)، بنابراین دانش‌آموزان فوق‌الذکر کمتر از سبک هیجان‌مدار استفاده کرده و به سبک مسئله‌مدار روی آورده‌اند.

از طرفی دختران و پسران در استفاده از سبک مقابله اجتنابی مقایسه شدند. نتایج به دست آمده از آزمون T نشان داد که تفاوت مشاهده شده در نمره سبک مقابله اجتنابی در دو گروه در سطح $P < 0/001$ از لحاظ آماری معنادار است و دختران در مقایسه با پسران از سبک مقابله اجتنابی بیشتر استفاده می‌کنند. نتیجه به دست آمده با نتایج تحقیقات محققانی مانند مک‌کرا، اندلر و پارکر به نقل از موس و اسکافر^۲ (۱۹۹۳)، گروئر و همکاران به نقل از زیدنر (۱۹۹۶)، همخوانی دارد.

در زمینه با تفاوت میانگین استفاده از هر سبک در هر یک از گروه‌های پسران و دختران، نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر نشان داد که در دو گروه تفاوت واریانس حداقل یکی از عامل‌ها از لحاظ آماری در سطح $P < 0/001$ معنادار است. لذا با توجه به تفاوت به دست آمده، برای بررسی معنی‌داری تفاوت میانگین استفاده از سبک‌های سه‌گانه در هر گروه از آزمون LSD استفاده شده و نتایج به دست آمده نشان داد که در گروه پسران تفاوت میانگین سبک مسئله‌مداری با سبک هیجان‌مداری و اجتنابی

1. Nunes & Bryant

2. Moos & Schofer

از لحاظ آماری در سطح $P < 0/05$ معنی‌دار است. یعنی پسران سبک مسئله‌مداری را بیشتر از دو سبک دیگر مورد استفاده قرار می‌دهند. نتایج آزمون LSD همچنین مشخص کرد که دختران نیز از هر سه سبک مقابله‌ای استفاده می‌کنند ولی به ترتیب سبک مسئله‌مداری، اجتنابی، و هیجان‌مداری از اهمیت ویژه برخوردار است در راستای نتایج فوق‌زیدنر و اندلر (۱۹۹۷) و پستونجی^۱ (۱۹۹۹) در تحقیقات خود پیرامون سبک‌های مقابله به این نتیجه رسیدند که افراد در موقعیت‌های فشارزا بیشتر از سبک مسئله‌مداری استفاده کنند. آنها معتقدند که در این روش احساس و رفتار فرد بیشتر معطوف به این عامل فشارزاست و تلاش‌های فعالانه‌ای برای حل مشکل انجام می‌دهد و در مرحله بعد افراد از سبک اجتنابی استفاده کند.

نتایج حاصل از تحقیقات نشان‌دهنده این واقعیت است که اولاً پسران در برخورد با مشکلات یا فشارهای روانی به ترتیب از سبک‌های مسئله‌مداری، اجتنابی، و هیجان‌مدار استفاده می‌کنند. ثانیاً دختران نوجوان نیز برخلاف تصور سنتی که آنها را هیجان‌مدار و اجتنابی فرض می‌کند، در جوامع امروزی به ویژه جوامع توسعه یافته و در حال توسعه از سبک مسئله‌مداری بیشتری استفاده می‌کنند که این پدیده را نیز می‌توان به صورت احتمالی به دلایلی چون تفاوت شیوه زندگی زنان، افزایش زمینه مشارکت آنها در فعالیت‌های مختلف، مهیا شدن زمینه کسب تحصیلات بیشتر و مواردی از این قبیل مربوط دانست، که البته برای اثبات و تعیین سهم هریک از این موارد، به انجام تحقیقات بیشتری نیاز است.

مآخذ

- انکینسون و دیگران (۱۹۸۳). زمینه روان‌شناسی، ترجمه براهنی و همکاران. تهران: انتشارات رشد.
اکبرزاده، نسرين (۱۳۷۶). گذر از نوجوانی به پیری. تهران: ناشر مؤلف.
بارکر، فیلیپ (۱۹۷۶). خانواده درمانی پایه، ترجمه زهره و محسن دهقانی (۱۳۷۵). تهران: انتشارات رشد.

بهرامی، فاطمه (۱۳۷۶). "بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی- اجتماعی بر نحوه مقابله با بحران در نوجوانان سال دوم و سوم راهنمایی مدارس شهر تهران و رابطه آن با نقش مشاور". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.

پروین، لاری (۱۹۸۹). روانشناسی شخصیت، ترجمه کدیور و جوادی (۱۳۷۴). تهران: انتشارات رسا. جنانی، کتایون (۱۳۷۰). "بررسی رابطه تعاملات درون خانواده و سلامت روان دانش آموزان پایه سوم راهنمایی شهرستان بروجرد". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.

ریو، جان مارشال (۱۹۹۲). انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی نسیدمحمدی (۱۳۷۸). تهران: نشر ویرایش. ساراسون، ایروین جی؛ ساراسون، باربارا آر (۱۹۸۷). روانشناسی مرضی، ترجمه نجاریان و دیگران، (۱۳۷۷)، تهران: انتشارات رشد.

سعادت مند (۱۳۷۶). "بررسی رابطه بین کارایی خانواده و سلامت عمومی فرزندان آنها". پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد رودهن.

سموعی، راحله (۱۳۷۸) "بررسی شیوه های مقابله با فشار روانی در معنادان و غیر معنادان و تعیین رابطه آن با عملکرد خانواده آنها". پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان. شاملو، سعید (۱۳۷۸). بهداشت روانی. تهران: انتشارات رشد.

کولومبرک، فیوش (۱۹۹۵). رشد جنسیت، ترجمه مهرناز شهرآرای (۱۳۷۸). تهران: انتشارات ققنوس. نجمی، بدرالدین (۱۳۷۵). "بررسی ارتباط بین عملکرد خانواده و محبوبیتی اجتماعی نوجوانان در گروه همسالان". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد رودهن.

وقری، عزت الله (۱۳۷۹). "بررسی رابطه خودکارآمدی و مقاله با فشارهای روانی ناشی از ازدواج". پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه تربیت معلم.

Bijttebier P. S. vertomment H.(1999). "The relationship between coping strategies with personality disorder", *Journal of personality and individual differences*, vol. 26(5) pp 847-856.

Bloom, B. L.(1993)."colorado self-report measuae of family functioning. internet.

Bloom, B. B.(1985)."A factor analysis of self report measuae of family functioning, *family process*,24(2), pp 225-239.

- Compos, Bruce E., Williams, Rebecca A. (1990). "Stress, coping, and adjustment in mothers and young adolescents in single and two parent families", *American Journal of Community Psychology*, 1990 Aug, vol. 18(4), pp 525-545.
- Endler N.S. & Parker J. D. A. (1990). "State and trait anxiety, depression and coping styles", *Australian Journal of Psychology*, 42(2): 207-220.
- Fallon B., Friedenberg E. & Boldero J. (1993). Perception of family climate and adolescent coping, paper presented at 28th annual conference of the Australian Psychological Society, Gold Coast, (Sept).
- Frydenberg E. (1997). *Adolescent coping theoretical and research perspectives*, London and New York, Routledge.
- Goldenberg H. & Goldenberg I. (1996). *Family therapy, an overview* (4ed.), Brook/Cole Publishing Co.
- Goldenberg H. & Goldenberg I. (1998). *Counseling today's family* (3ed). Brook / Cole Publishing Co.
- Gloria, W. Bird, Harris, Rhonda I. (1990). A comparison of role strain and coping strategies by gender and family structure among early adolescents, *Journal of Early Adolescents*, May, vol. 10(2), pp 141-158.
- Genkins G. M. Smith M. A. (1991). Marital disharmony and children's behaviour problems, aspect of a poor marriage that affect children adversely, *J. Child Psychology and Psychiatry*, vol. 32, no. 54, pp 793-810.
- Minuchin, S. and Fishman, H. C. (1996). *Family therapy techniques*, Cambridge, Massachusetts, Harvard University Press.
- Moos R.H.U. & Schafer G. A. (1993). *Coping resources and processes, current concept and measures in*, L. Godberg & S. Ereznitz, (eds.), *Handbook of Stress* (2nd ed), New York, Free Press.
- Moeller D. M., Richards C. S., Hooker A. and Ursino A. A. D. (1992). "Gender differences in the effectiveness of coping with dysphoria", *Counseling Psychology Quarterly*, vol. 5(4), pp. 349-357. S.
- Nunes T. & Bryant P. (1997). *Learning and teaching mathematics*, U. K. Psychology Press Ltd.

- Perosa S. L. & Perosa L. M.(1993)."Relationship among minuchin,s structural family model, identity achievement, and coping style, *journal of counseling psychology*, vol. 40, PP. 479-489.
- Portes P. R, Howell S. C., brown seph H.(1992),"Family functions and children's postdivorce adjustment", *Journal of orthopsychiatry*, Oct., vol. 62(4). PP. 613-617.
- Pestonjee D. M.(1999). *Stress and coping*, New Delhi: Sage Publications, India.
- Pusek & Danko & Jerome B. Mari Beth (1994)."Adolescence coping styles and perception of parental child rearing", *Journal of adolescence research*, vol. 9(4), PP. 412-426.
- Pattnavak B., Panda Minati, Mohanty Susmita (1997). Impact of family structure and gender bias on stress & coping styles, an empirical study, *Social Science International*, Jan., vol. 13 (1-2), PP. 42-50.
- Robinson I. C. (2000)."Interpersonal relationship quality in young adulthood", *A Gender Analysis Adolescence*, vol. 35, no. 140, winter.
- Zeidner M. & Endler N. S.(1996). *handbook of coping, theory, research, applications*, (led.), John Wiley & Sons Inc.
- Zeidner M. & Endler N. (1997). *Handbook of coping*, New York, John Wiley and sons Inc.
- White J. L. (1998). *The Troubleb Adolescent*, Pergeon.